



12 مارچ 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش سی و سوم)

سفر شاه و ملکه به دوازده کشور آسیا و اروپا و تأثیرات آن:

بعد از استرداد استقلال کشور، هنگامیکه شهرت شاه امان الله بحیث اولین شاه استعمار شکن شرق در همه جا پخش گردیده بود، بعضی از کشورهای اروپایی از شاه برای سفر به کشورشان رسماً دعوت کردند که البته این دعوت در یک وقت مساعد مورد قبول شاه واقع شد. با انفاذ تعداد زیاد نظامنامه ها و تحولات بنیادی در دوره اول و همچنان پس از فرونشاندن اغتشاش خوست توجه به امور انکشافی یکی از اهداف اساسی دولت بود و برای پیشرفت در ساحت معارف، مطبوعات، عمرانات، مخابرات، صنایع و زراعت و نیز برای تقویه بنیه نظامی دولت ناگزیر بود به تهیه و تدارک لوازم و وسایل مورد نیاز بپردازد و چون دولت قبل از استرداد استقلال معمولاً وسایل مورد ضرورت را چه از تولیدات هند و یا تولیدات خارجی از طریق هندبرتانوی و بعضاً روسیه خریداری میکرد، پس از استقلال دولت خواست تا وسایل و تجهیزات را راساً از کشورهای تولید کننده از اروپا بطور مستقیم خریداری کند. برای این منظور لازم دیده شد تا هیئتی معتمد مرکب از اشخاص وارد در موضوع به اروپا اعزام شود. شورای دولت و مجلس وزراء بعد از غور و تثبیت ضرورتها تصویب نمود که باید برای برآوردن این همه مقاصد علمی و فنی شخص خود پادشاه در راس هیئت به اروپا سفر کند تا از یکطرف دعوت کشورهای دوست که قبلاً در سال 1301 برای یک دیدار رسمی از شاه امان الله غازی صورت گرفته بود، عملی شود و از طرف دیگر تهیه وسایل و لوازم مورد نیاز زیر نظر و هدایت شخص شاه صورت گیرد. شاه با این پیشنهاد موافقه کرد و در آغاز سال 1306 (1927) پروگرام و دیگر امور لازمه این سفر آماده شد و وزارت خارجه افغانستان به مراجع رسمی کشورهای مورد نظر از برنامه سفر شاه و هیئت معینی شان اطلاع داد و در عین زمان لست های مواد مورد ضرورت دولت ترتیب گردید.

این اولین بار در تاریخ کشور بود که یک پادشاه افغانستان فراتر از ساحات همجوار به جهان متفاوت و پیشرفته عصر سفر رسمی و قسماً شخصی میکرد و از همه مهمتر اینکه در این سفر ملکه ثریا با سه خانم همراه خود در معیت شاه بود و به حیث اولین زن افغان پا به خارج کشور میگذاشت و در محافل رسمی و درباری اروپا اشتراک می نمود.

شاه امان الله غازی و همراهان سفر خویش را بتاريخ 7 قوس 1306 آغاز کردند و از طریق قندهار، چمن و کویت به وسیله موترو سپس ذریعه ریل مخصوص نخست به کراچی و از آنجا بوسیله کشتی به بمبئی [مابئی] سفر کردند. از بمبئی باز هم سوار کشتی شده راهی بندر پورت سعید مصر شدند. بعد از دیدار رسمی از قاهره، به کشورهای ایتالیا، فرانسه، بلژیک، جرمنی، انگلستان، پولند، روسیه شوروی، ترکیه و ایران ادامه سفر دادند. از ایران بوسیله موترو از طریق هرات و قندهار بتاريخ 10 سرطان 1307 دوباره به کابل مواصلت کردند که این سفر تقریباً هشت ماه را دربر گرفت. جزئیات این سفر و گزارشات مربوطه در هرکشورنه تنها در مطبوعات آن کشورها هر روز به نشر میرسید، بلکه انعکاس

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

آن در مطبوعات بین المللی نیز گسترده بود، بخصوص مواقعی که سفر شکل رسمی میداشت و حتی وقتی سفر بطور خصوص ادامه می یافت، باز هم جریان مختصر آن در روزنامه ها نشر می شد. منابع و مآخذ در مطبوعات هر کشور به زبانهای آلمانی، فرانسوی و انگلیسی زیاد است، ولی گزارشات این سفر در جراید و روزنامه های افغانی بخصوص در نشریه "امان افغان" بطور منظم نیز به نشر میرسید و در هند برتانوی علاقمندی زیاد برای نشر گزارشات این سفر موجود بود. از آنجائیکه شرح مزید جزئیات سفر در این بحث گنجایش ندارد و دور از موضوع اصلی است، لذا برای کسانی که علاقمند مطالعه مشروح گزارشات این سفر باشند، به یک مآخذ معتبر در زبان دری مراجعه فرمایند و آنهم کتاب مشهور "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور اروپائی و آسیائی 1306 - 1307" است که بوسیله استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی نوشته و تألیف گردیده که بار اول در سال 1364 در کابل و بار دوم در سال 1379 در پشاور به چاپ رسیده است.

شاه امان الله در روز وداع که کابل را به عزم سفر اروپا ترک میکرد، در حضور جم غفیری به سخنرانی پرداخت و توجه حضار را به چند مطلب بسیار بارز جلب کرد و گفت: «هندو، هزاره، شیعه، سنی، احمدزی، پوپلزی نداریم، بلکه همه یک ملت هستیم و آن افغان... اولین نعمتی که افغانستان به آن نائل آمده است، استقلال است، پس استقلال خود را همیشه حمایت کنید و برای محافظت آن بیدار باشید، چه دشمن های استقلال تان همیشه از آن راهی که شما را از طرف آن بی خبر میداند، به شما پیش خواهند آمد» و علاوه کرد: «ملت عزیز! من برای شما قانون ترتیب دادم. ما ملت قانونی هستیم، جز مطابق قانون دیگر حکمی را بر خود قبول نکنید... حیات غیر معین است، ولی به هر حال میخواهم چند نصیحتی بشما گویم تا آنها را همیشه مدنظر داشته باشید و آن اینکه شمولیت پسران در مکاتب و هم اتحاد و اتفاق ملت و حفظ و حمایت استقلال است» و تصریح کرد: «چیزیکه مرا در اروپا می فرستد، ذوق و شوق خودم نمیباشد و مجلس وزراء برفتن من تصویب کرده است..» (مآخذ بالا، صفحه 2 - 3)

این سفر از لحاظ روابط خارجی بسیار با اهمیت بود که در نهایت افغانستان را به حیث یک کشور آزاد شامل نقشه جهان ساخت. شاه و ملکه در ممالک اروپایی به شمول انگلستان مورد استقبال شاهانه قرار گرفتند که دیگرشکی برای آزادی افغانستان در هیچ جا باقی نماند. این پذیرائی و ابراز حسن نیت با علاقمندی زیاد در دو کشور فرانسه و جرمنی بسیار شاندار و پر از دوستی و صمیمیت کم نظیر بود، مگر پذیرائی گرم در لندن معنی دوستی واقعی آن کشور را با شاه امان الله نداشت. راجع به جریان مکمل این سفر هیچ کتاب مفصلتر از کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا..." بقلم وکیلی پوپلزائی در زبان دری در دسترس نیست، اما چون شرح و بسط آن از موضوع بحث این نوشته بدور است، لذا صرف به ذکر کلی موضوع بسنده میشود و شرح مزید را به مطالعه مآخذ فوق و اگذار میثوم.

### گزارش مختصر جریان سفر و ملاقاتها با سران دول:

شاه امان الله و هیئت معیتی او در هند برتانوی از چمن تا بمبئی با استقبال ویسرا و خانمش و مامورین ارشد برتانوی و از همه مهمتر پذیرائی بینظیر مردم هند از هر فرقه و افغانهای مقیم آنجا مواجه شدند و شاه در هر موقع به ایراد بیانیه های پر شور پرداخت. در مصر اعلیحضرت فواد اول پادشاه مصر و راکین دولت آنجا از شاه و ملکه پذیرائی کردند و وقتی به بندر ناپولی ایتالیا رسیدند، شاه و ملکه آن کشور و موسولینی صدراعظم و هیئت وزراء از مهمانان استقبال کردند. به همین ترتیب در پاریس

از طرف دومرک رئیس جمهور فرانسه پذیرائی شدند و پس از گل گذاری بر قبر ناپلیون در دعوت رسمی در قصر "ایلزی" اشتراک کردند و شاروال پاریس کلید شهر را طور یادگار به شاه امان الله غازی اهداء نمود. بعد چند روز دعوت رسمی در فرانسه به پایان رسید و شاه بطور غیررسمی از فابریکات، مؤسسات علمی و موزیم ها و بعضی مکاتب عالی نظامی دیدن نمود و از پاریس به جانب "کروزو" جهت دیدن فابریکات بزرگ اسلحه سازی سفر کرد و نیز در شهر "لیون" از فابریکه منسوجات ابریشمی دیدن نمود. در سفر بروکسل (بلژیک) نیز از طرف شاه و ملکه آنجا پذیرائی شد. مهمترین بخش سفر شاه و ملکه در آلمان بود که حین مواصلت به برلین از طرف رئیس جمهور "مارشال فن هندن بورگ" و مردم آن شهر بطور زاید الوصف استقبال شدند و در دعوت های رسمی اشتراک کردند. شاه و هیئت معیتی در آلمان ضمن دیدار از مؤسسات عالی تخنیک، فابریکات اسلحه سازی و فابریکات مختلف دیگر موفق شدند تا از حکومت آلمان به دریافت یک قرضه اعتباریه 6 ملیون مارک برای هشت سال جهت خریداری فابریکات و دیگر لوازم مورد ضرورت دولت افغانستان استفاده نمایند. علاوهً حکومت آلمان یک فروند طیاره "یونکرس" را به شاه اهداء کرد و نیز پولتخنیک برلین به ایشان دوکتورای افتخاری را اعطا نمود. شاه و هیئت معیتی به شهرهای مختلف صنعتی آلمان به منظور دیدن از فابریکات و خریداری مواد مورد ضرورت دولت افغانستان سفر کردند. (لست مکمل اقلام خریداری شده از قرضه فوق دیده شود - وکیلی پوپلزائی: "سفرهای غازی امان الله شاه ..."، صفحه 113 تا 115)

شاه و هیئت معیتی از آلمان به فرانسه برگشت نمودند و متعاقباً از آنجا به انگلستان رفتند و در ایستگاه ویکتوریا در لندن از طرف اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه آن کشور، ملکه و نیز پسر دوم پادشاه و اراکین دولت انگلیس پذیرائی شدند. شاه در برمنگهم و بعضی شهرهای دیگر از مؤسسات فرهنگی و فابریکات دیدن کرد و در آکسفورد به ایشان لقب "دکتورای حقوق" اعطا شد. شاه و ملکه با هیئت معیتی در مجلس لاردهای آن کشور و نیز در دعوت شاروال لندن اشتراک کردند. ایشان از لندن دوباره به پاریس و آلمان آمده و از آنجا روانه پولند شده و از آن طریق بوسیله ریل جهت دیدار رسمی عازم مسکو گردیدند. در مسکو از طرف کالین رئیس کمیته اجرائیه مرکزی شوروی و هیئت وزرای آن کشور پذیرائی شدند و پس از ختم سفر از مسکو به لنینگراد و از آنجا عازم ترکیه شدند. پس از اقامت کوتاه در استانبول بوسیله قطار بسوب انقره حرکت نمودند. دیدار با مصطفی کمال اتاترک رئیس جمهور ترکیه و اشتراک در محافل شاندار و استحکام مزید روابط سیاسی و فرهنگی با آن کشور مسلمان و در عین زمان انقلابی برای شاه و همراهان از خاطرات مهم این سفر بود. شاه و هیئت معیتی از انقره به تفلیس و باکو و از آن طریق به کشور همسایه ایران ادامه سفر دادند و در تهران از طرف شاه رضا پهلوی بدرقه شده و در چند دعوت رسمی اشتراک کردند. شاه امان الله در این موقع کوشید برای رفع مشکلات بین ایران و ترکیه میانجیگری کند که به موفقیت انجامید و هر سه کشور مسلمان در تشنید روابط باهمی تعهد کردند. در آنوقت ملکه ایران زیر حجاب بود و اما ملکه ثریا مثل اروپا با انداختن یک روبند نازک به روی با شاه یکجا در دعوت ها اشتراک و نیز بامردم عادی به مصافحه پرداخت. سال بعد ملکه ایران نیز از قید حجاب کامل یعنی از سرتا پا رها و برطبق اصول اسلامی بدون پوشاندن روی و دست ها در میان مردم خود ظاهر گردید.

شاه و هیئت معیتی از تهران بوسیله موتر بطرف افغانستان حرکت کرده و حین ورود به سرحد افغان از طرف اراکین دولت پذیرائی و در هرات با استقبال شایان مردم آنجا بدرقه شده و روانه قندهار شدند. به همین ترتیب از موکب شاهی در قندهار نیز پذیرائی شاندار بعمل آمد و سرانجام شاه و ملکه با هیئت

معیتی بتاريخ 10 سرطان 1307 (اول جولای 1928) درحالی به شهرکابل موصلت کردند که ترتیبات خاص از طرف دولت و بخصوص اهالی کابل جهت پذیرائی شاه و ملکه و برگشت به خیر شان به وطن قبلاً تدارک دیده و با نصب بیرقها و رواقهای با شکوه و فیرتوپ و پروازطیاره ها برفراز شهر کابل جشن سرور و شادمانی برپا گردیده بود. با این ترتیب این سفر تاریخی و مهم به پایان رسید.

### نگاهی بر خریداریها و نتایج مالی سفر:

از آنجائیکه بعضی از مخالفان در آنوقت بر نتایج مالی این سفر هشت ماهه شاه امان الله غازی انتقاد و وسیله تبلیغ خود علیه او قرار داده بودند و آنرا موجب صدمه بزرگ بر پیکر مالی دولت وانمود میکردند (چنانچه بعداً در مصوبه لویه جرگه نیز این مطلب ذکر شده است)، شاه برای رفع این انتقادات گزارش تحریری سفر خود را از آغاز تا انجام و برگشت بوطن تهیه کرده و بتاريخ 14 سرطان 1307 به ادارات دولتی سپرد و بروز 8 میزان متن آنرا در محضر مامورین دولت قرائت کرد. متن این سفرنامه را وکیلی پوپلزائی در کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه" (208 تا 218) درج نموده است که نسبت طول کلام از نشر آن صرف نظر میشود.

شاه در گزارش خود ضمناً از یک قرضه اعتباریه دولت جرمنی به مبلغ 6 ملیون مارک (معادل تقریباً سه صد هزار پوند) یاد کرد که برای خریداری وسایل مورد ضرورت دولت از آن کشور استفاده نموده که مشتمل بر اقلام ذیل بود: 19 قلم ماشین و آلات صنعتی و زراعتی، 8 قلم لوازم نظامی، 7 قلم فابریکات مختلف، 6 قلم وسایل طبی و ماشین های حساب و غیره، همچنان 8 قلم وسایل ترانسپورتی و بعضی اقلام دیگر. شاه در گزارش خود برای تقویه بنیه نظامی کشور از خریداری اقلام آتی یادآور شد: - 53500 تفنگ جاغوردار رقم انگلیسی ضم هر میل تفنگ یک هزار کارتوس؛ - 106 توپ ضم هر میل صدمرمی؛ - 8 فروند طیاره، - 6 میترالیوز؛ - 5 عراده موتر زره پوش نظامی؛ - یکصد هزار کلاه فولادی حربی، - 350 عدد دوربین نظامی. همچنان هیئت بعضی اقلام را از دیگر کشورهای ازبوجه دولت خریداری کرد و نیز یک تعداد وسایل به قسم تحفه از طرف مقامات دولتی بعضی کشورها به شاه امان الله تقدیم گردید. (برای شرح مزید و ذکر جزئیات خریداری ها از قرضه جرمنی دیده شود: مأخذ بالا...، صفحه 113 تا 115)

شاه امان الله غازی در گزارش خود مصارف سفر را با آنچه از این سفر عاید کشور گردید، چنین خلاصه کرد و گفت: «به تمام مصارفی که ما کرده ایم، غیر از خریداری ها، مصارف مانند خرج عید استقلال، دعوت ها، اعانه ها به بلدیة ها و شفاخانه و شعبات تبلیغ و افغانهای بی بضاعت [درهند]، بخشش ها، مخارج هوتلها، کرایه ریل ها، جیب خرج هیئت، جمله 19 لک و 51 هزار (1.951.000) [1.9 ملیون] افغانی و در مقابل عایدات از قبیل سوغاتها، تحفه و هدایا مبلغ یک کرور و بیست و یک و هشتاد و هشت هزار (12.888.000) [12.8 ملیون] افغانی که بعد از وضع اصل خرج، فائده محض برای ما یک کرور و نه لک و سی و هشت هزار (11.938.000) [11.9 ملیون] افغانی میماند».

او همچنان در بیانات خود تصریح کرد و گفت: «این را که آیا این سفر برای چه بود و چطور کامیاب شدیم، کاملاً به فیصله وجدانی شما وزراء و رؤسا، خوانین و نمایندگان شما ملت میگذارم و کافه علما و فضلالی مقیم پایتخت و تمام مملکت را متوجه این حقیقت می سازم تا در غیاب و حضور بدین عواملی که من انجام داده ام، مشوش و مشتبه نباشند.... همان فایده است که حساب دخل و خرج آنرا کاملاً محمدمحسن خان مصاحب من به وزارت مالیه داده اند و میرهاشم خان وزیر مالیه را مامور

ساخته ام که خود شخصاً با محاسبین ماهر دیگر مورد دقت و سنجش قرار داده تمام جزئیات را سنجیده بقناعت ارباب حساب و دفاتر امروز و آینده بپردازند، تا حسابات مصارف و عواید من در این سفر تقریباً هشت ماهه ناقص و مشبوه باقی نماند.» (برگرفته از متن بیانیه شاه امان الله مندرج مأخذ بالا...، صفحه 218 - 219)

در اعلامیه ضمناً از نظامنامه بودجه عمومی که در سال 1301 نافذ و تمام امور مالی دولت اعم از عواید و مصارف را برای هر سال مشخص و قید میکرد و وزارت مالیه را به بررسی قبلی و بعدی حسابات مصرف برطبق تخصیصیه های معین مندرج بودجه ملکف می ساخت، تذکار رفته است. قبل از تنفیذ این نظامنامه مصارف دولت فقط به امر پادشاه و بصورت عندالاقضاء صورت میگرفت و هیچ مقررهای در زمینه وجود نداشت. اما در "انقلاب قانون گذاری" دوره امانی جای صلاحیت های عام و تام پادشاهان قبلی را قانون گرفت

اینکه خریداریهای فوق الذکر بعد از سقوط دوره امانی به چه سرنوشت مبتلا شدند و اینکه چه تعداد از وسایل خریداری شده به کشور وارد و در دسترس قرار گرفتند، سؤال است که به دلیل تحولات بعدی روشن نیست، زیرا پس از برگشت شاه از سفر و متعاقباً تدویر لویه جرگه در پغمان بتاريخ 6 سنبله 1307 (29 اگست 1928) اوضاع کشور دچار بحران گردید که ریشه های آن بیشتر به دوره غیابت شاه حین سفر هفت ماهه به خارج از طرف مخالفان او به تحریک انگلیسها برمی گشت. در این زمینه شایعات زیاد موجود است که بسیاری از وسایل خریداری شده که در بندر کراچی مواصلت کرده بودند، توسط هند برتانوی در گدامهای بندری برای مدت زیاد توقیف و فرسوده شده از بین رفتند و بعضی اقلام از جمله تفنگ ها و ضمایم مرمی آنها در اختیار حامیان سپهسالار محمدنادر خان قرار داده شدند.

در این سفر بر علاوه دیدار و ملاقاتهای رسمی دوستانه سیاسی با شاهان، رؤسای جمهور و شخصیت مهم کشورها حین سفر، موضوع مهم دیگر همانا دیدن مؤسسات فرهنگی از قبیل پوهنتونها، مراکز متعدد تعلیمی، موزیم ها، فابریکات از هر نوع، آشنائی به پیشرفتهای تکنالوژیکی، مشاهدات مانورهای هوائی، فابریکات اسلحه سازی و در مجموع معرفت با نحوه ای زندگی مردم و مشاهده دربارهای مجلل و شاندار آن ممالک بود که در برابر پیشرفت های آنجا وقتی شاه به کشور خود می اندیشید، این احساس که کشور خودش چنان در قعر عقب ماندگی فرو رفته بود که حتی مردم از فرستادن فرزندان خود به مکتب ممانعت میکردند و نفوس کشوری یعنی زنان در جهل و فقر و در چهار دیوار خانه زندانی بودند. این احساس از یکطرف برایش تأثر و مأیوسیت بارمی آورد و اما از طرف دیگر مبارزه را در راه رفع و دفع آن در ذهنش تقویه میکرد.

اینکه چگونه وضع وطن را تغییر دهد و از کجا شروع کند، او را در طول سفرش به خود مصروف ساخته بود و وقتی به وطن برگشت با همین احساس فوری دست بکار شد، بی خبر از آنکه دست های مرموز و فعال انگلیس در عقب پرده از آستین یک تعداد کسانی برآمده بودند که با استفاده از توجیهات و تبلیغات سوء دینی و مذهبی علیه شاه در بین ملاها و بدانوسیله در بین مردم بیسواد کشور از مدتی بدانسو فعالیت میکردند و این شایعه را پخش می نمودند که گویا شاه از دائره شریعت بیرون و برضد علمای دینی قرار گرفته و به تقلید از اتاترک میکوشد یک نظام "سیکولر" را جانشین نظام اسلامی سازد. این انتقادات نه تنها بر شاه، بلکه شامل حال ملکه ثریا نیز بود، چنانچه عکس نیم تنه قسماً برهنه او را در هند برتانوی مونتاژ کرده و هزاران کاپی آنرا بقسم پستکارد چاپ و در سرتاسر افغانستان و حتی در قبایل آزاد پخش نمودند.

این ادعا که گویا شاه امان الله میخواست به تقلید از ااتا ترک دین را از سیاست جدا کند و در پیشبرد اصلاحات خود شریعت را کنار گذارد، حقیقت نداشت و جزء تبلیغ دشمنان بود. برعکس او سعی داشت که تحول را در بنیاد مؤسسات مذهبی عنعنوی کشور که بدست یک تعداد و خانواده های شان رهبری می شد، آغاز کند و میکوشید تا مذهب را از خرافات و ذهنیت های ماورای دینی - مذهبی که به شکل دساتیر شرعی در ذهن مردم عامه بوسیله ملاحی کم سواد و عناصر سیاسی که در لباس رهبران دینی درآمده بودند، پاک سازد. سنزل نوید به تائید این موضوع می نویسد: که شاه امان الله برای رسیدن به این هدف مانند جدش عبدالرحمن خان مصمم شد که قدرت و نفوذ گروه های مذهبی را تضعیف کند، اما به این تفاوت که هدف امیرعبدالرحمن خان از انهدام قدرت طبقات روحانی استحکام قدرت مرکزی و ارتقای موقف شاهی بود، درحالیکه شاه امان الله میخواست با محدود ساختن نقش محافظه کاران مذهبی راه پیشرفت و ترقی افغانستان را به موازات و معیارهای مدرن و جدید برطبق روحیه و اصول اسلامی باز کند. (نوید، سنزل: "واکنش های مذهبی..."، صفحه 172)

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ